

ایرانگرد

قلعه دزک چهارمحال و بختیاری



گیلان امروز - قلعه دزک از جاهای دیدنی شهرکرد است و در جنوب شرق روستای دزک قرار دارد. واژه دزک از دو بخش دز یا دژ و ک تصغیر تشکیل شده است. دژک در واقع به معنی دژ کوچک بوده و برای استفاده نظامی ساخته شده بود.

قلعه، عمارت و منزل مسکونی چندین نسل از ایلخانان بختیاری بوده است. این قلعه که در حال حاضر ۵۰۷۶/۲۰ مترمربع وسعت دارد در سال ۱۲۹۲ قمری توسط امیرمفخم بختیاری پسر امامقلی خان حاجی ایلخانی از خوانین بزرگ هفت لنگ بختیاری بنا شد. قلعه دزک ابتدا شامل اسکلت بنا و طبقه همکف بوده و قسمت‌های دیگر ساختمان که شامل عمارت و طبقه دوم و حیات خلوت و تزیینات ساختمان است، به تدریج بر ساختمان افزوده و تکامل یافت.

امیر مفخم، نظامی و سیاستمدار ایرانی دوره قاجار بود. وی در مقاطع مختلف دارای مناصبی چون حکومت خوزستان، اصفهان، کردستان، کرمان، لرستان و کرمانشاهان بود. در دوره‌ای نمایندگی مجلس شورای ملی و در فاصله سال‌های ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷ وزارت جنگ را در کابینه مصمص‌السلطنه برعهده داشت. وی یکی از قدرتمندترین خوانین بختیاری در اوایل قرن اخیر است. در روزهایی که اکثر خوانین بختیاری، به مشروطه گرویده بودند، امیر مفخم، همچنان به محمدعلی شاه وفادار ماند.

در آستانه فتح تهران، امیر مفخم فرماندهی کل قشون دولتی طرفدار محمدعلی شاه را بر عهده داشت، اما خیلی زود به اردوی مشروطه خواهان پیوست و در جنگ با ارشدالدوله و سالارالدوله، از فرمانده‌های قوای مشروطه به‌حساب می‌آمد. وی قریب پنجاه سال، گاه در کسوت نظامی، گاه مقام والی گری و وکالت مجلس شورای ملی و گاهی در مقام وزارت، در صحنه سیاسی ایران حاضر بود و یکی از مهره‌های تأثیرگذار در تاریخ معاصر به‌شمار می‌رفت.

این بنای تاریخی که شامل دو طبقه است، اگر چه در ابتدا به قصد یک قلعه با استحکامات نظامی ساخته شد، اما بعدها با تزییناتی که در آن صورت گرفت و طراحی که در داخل اتاق‌ها انجام شد، در داخل کاملاً شکل کاخ به خود گرفت. بنابراین به نوعی می‌توان آن را کاخ قلعه نامید. طبقه اول قلعه دارای یک هشتی ورودی در وسط است که از دو طرف به محوطه بزرگ قلعه منتهی می‌شود. در دو طرف هشتی چهار ایوان است که دو تا از ایوان‌ها رو به شمال و دو تای دیگر به طرف جنوب قرار گرفته‌اند. در ایوان‌های ورودی و شمالی طبقه اول، ستون‌های گچبری شده‌ای دیده می‌شود، که با نقوش حصیری شکل، بر روی تیرهای چوبی ساخته شده‌اند. طبقه دوم قلعه که از ایوان‌های شمالی دو طرف هشتی به آن وارد می‌شوند، ابتدا از راه‌پله‌ها وارد محوطه بزرگ به نام حوضخانه می‌شود. اتاق‌های طبقه دوم دارای دو ایوان مجزا از هم در شمال و سه ایوان متصل به هم سراسری در جنوب است که دو اتاق سه دری در ایوان‌های شمالی باز و دو اتاق سه دری قرینه در ایوان سراسری جنوب باز می‌شود و در وسط اتاق‌های سه دری جنوبی، سالن بزرگ پنج دری موسوم به دیوانخانه یا سفره‌خانه قرار دارد. اتاق آیینه در جوار آن قرار گرفته است. دو اتاقک به نام گوشواره در دو طرف اتاق آیینه است. بنای قلعه با توجه به آب و هوای منطقه، مشرف به بیشه‌های منتهی به کوهستان و به سمت قیله بنا شده است. به این شکل اتاق‌های طبقه اول ساختمان از نور و گرمای مناسب در فصول سرد برخوردار و در فصول گرم کاملاً خنک هستند.

تالار سفره خانه

تالار سفره‌خانه یکی از بخش‌های مهم قلعه است. سفره‌خانه دارای تزیینات گچبری به‌خصوص رنگ اندازی و قاب کتیبه‌های تسمه‌دار است. سفره‌خانه یک تخته فرش پنجاه متری است، این فرش که گفته شده حدود نود سال قدمت داشت، از با ارزش‌ترین و ممتازترین فرش‌های بختیاری از نظر بافت و نقشه بوده است. حاشیه بالای دیوارهای تالار و اطراف درهای اصلی و ورودی، دارای گچ‌بری‌های قالبی است. نقاشی‌هایی اسطوره‌ای از فرشته، شیر و شکار و فرهاد کوهکن با الهام از داستان‌های هفت پیکر نظامی در این تالار دیده می‌شود.

اتاق آیینه

در کنار سفره خانه اتاقی به نام آیینه وجود دارد که به آن تالار آیینه می‌گویند. اتاق آیینه درواقع یکی از هشت اتاق بازمانده اصل از این نوع در منطقه است. این تالار از بخش‌های ممتاز و ویژه قلعه است. سقف و دیوارهای تالار به‌صورتی بانکس با آیینه تزیین شده است. این اتاق به سبک اروپایی ساخته شده و به آیینه‌های قصرهای اروپایی شباهت دارند. تالار آیینه دارای نقاشی‌هایی به صورت شیشه نقاشی است که نمای سه بعدی دارند. موضوع نقاشی‌ها عموماً تصاویری از سوارکاری، قصرها و ابنیه سلطنتی با طرح‌های اروپایی، گل و مرغ نمای و خارجی خود بنا هستند. در اتاق آیینه عکس‌های برخی از خوانین بختیاری به صورت قاب‌شده نصب شده است. این بنا دارای چهار برج مخروطی‌شکل بدون کاربری نظامی است که دو برج قسمت جنوبی سالم و دو برج قسمت شمالی نیمه مخروبه و بیشتر برای القاء شکوه و ابهت ساخته شده و به عنوان انبار و زندان استفاده می‌شد. در این قلعه، در پوشش آجر خارجی با هنر «آجر چینی» و تلفیق آن با کاشی‌کاری‌های لعابی هندی، نقش‌های زیبایی تشکیل شده است. تلفیق آجر کاشی با طرح‌های مختلف در کتیبه‌ها به‌کار رفته است. به این شکل دو کتیبه بزرگ و متقارن محله پاکرد راه‌پله‌های داخل محوطه دارای ارزش هنری بسیار است.

عطرها و رایحه‌های باستانی چگونه به وجود آمدند؟

گواهی بر درخشش عطرسازان ایرانی است که بسیار جلوتر از زمان خود بودند.

پرورش انواع گیاهان و گل‌های معطر، تهیه عطر و گلاب از آن‌ها، تهیه روغن معطر، ساخت مشک و عنبر و مواد معطر و تهیه عودهای خوشبو در ایران باستان، به ویژه در ایران و استان فارس رواج داشت. کشت و پرورش بسیاری از گل‌ها و گیاهان معطر که در دوران باستان رواج داشته است، قرن‌ها پس از اسلام ادامه داشته و تعداد کمی از آن‌ها تا امروز ادامه داشته است. تجهیزات و تأسیسات کارگاه‌های تهیه گلاب و عطرسازی در بسیاری از شهرها و روستاهای استان فارس به ویژه بیشاپور، فیروزآباد و کازرون و بعدها در شیراز فراوان و کاملاً فعال بود و محصولات خوشبو و مواد معطر آن‌ها به نقاط دوردست صادر می‌شد.

مروزه در گوشه‌های مختلف دنیا شاهد چند روش سنتی برای تهیه عطر و «آراک» برخی گیاهان و گل‌های معطر و خوشبو هستیم. این روش‌ها بر اساس تجربیات اجداد ما در دوران باستان است.

عطر اصیل ایرانی در دوران هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان

پادشاهان هخامنشی از عطرها و روغن‌های معطر برای براق کردن موهای خود، ملکه‌های خود و سایر درباریان استفاده می‌کردند. LABYZOS یکی از عطرهای گرانبهایی است که برای خوشبو کردن موهای خشیارشا استفاده می‌شد.

همچنین یکی از همسران او به نام استر، ۶ ماده را با عطر ترکیب می‌کرد و در نقوش به جا مانده از تخت جمشید نیز تصاویری از او و خدمتکارانش همراه با عود وجود دارد.

اسکندر مقدونی پس از حمله به هخامنشیان فهرستی از دارایی‌های داریوش سوم تهیه کرد که در آن به عطرها و رایحه‌های مورد علاقه او اشاره شده است. پس از دوره هخامنشیان و در دوره اشکانیان و ساسانیان، روغن‌های معطر هنوز به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از زندگی و آیین‌های مذهبی ایرانیان مورد استفاده قرار می‌گرفت. در واقع برای تکمیل آرایش زنان، پادشاهان و حتی روحانیون زرتشتی از روغن‌ها و عرقیات معطر موجود در دوره اشکانی استفاده می‌شد.

همچنین در زمان ساسانیان تاجران عطر و عود و کافور و چوب صندل از هند به ایران آمدند و سود فراوانی به دست آوردند. جالب است بدانید که تقطیر عطرها به طور سیستماتیک در قرون وسطی توسط دانشمندان ایرانی کشف و انجام شد.

کشور ما به عنوان یکی از پیشگامان تولید مواد معطر، مرکزی برای تولید اسانس‌ها و روغن‌های گیاهی معطر تأسیس کرد و با استفاده از ظرفیت، دقت و معنویت جامعه ایرانی، در صنعت عطرسازی پیشرفت کرد.

روش‌های تقطیر در کشورهای شرقی از جمله ایران

روش‌های تقطیر در کشورهای شرقی از جمله ایران، تأثیر قابل‌توجهی بر صنعت عطرسازی و به ویژه شیمی در جهان غرب گذاشت. همانطور که در ابتدا ذکر شد، ابن سینا، پزشک و دانشمند ایرانی، از اولین مبتکران روش تقطیر بود. او برای اولین بار روش استخراج گل را با استفاده از تقطیر اختراع کرد. اولین تجربه ابن سینا در عطرسازی استفاده از گل رز بود. زکریای رازی دانشمند بزرگ ایرانی نیز با کشف الکل نقش بسیار مهمی در پیشرفت صنعت عطر و ادکلن داشت. در آن زمان ایران به عنوان یکی از معتبرترین مراکز عطرسازی جهان شناخته می‌شد و در شهرهای مختلف انواع روغن‌های معطر مانند عطر نرگس، عطر بنفشه، عطر زنبق، عطر مرزنجوش، خربزه وجود داشت در آن زمان، عطر و عطر بهارنارنج (عطری که خیساندن گلبرگ‌های این گل در روغن‌های مخصوص به دست می‌آمد و در فیروزآباد فارس تولید می‌شد) به کشورهای شرق صادر می‌شد.

ایرانیان علاوه بر گل‌های معطر ذکر شده، عطرهای مختلفی را نیز از صمغ گیاهانی مانند کافور یا چوب درختانی مانند انبوس و صندل و دانه‌های گلی مانند آن‌هایی که از درخت بان به دست می‌آمد عمدتاً از طریق تقطیر تهیه و تولید می‌کردند. در واقع ایران از قدیم الایام یکی از مهم‌ترین مراکز تولید روغن‌ها و عصاره‌های معطر گیاهی بوده است. تاریخچه عطرسازی و تاریخ ادکلن ارتباط تنگاتنگی با تاریخچه عطرسازی در ایران دارد. البته این موضوع به کشف الکل توسط زکریای رازی و روش‌های ابداعی ابن سینا در تقطیر نیز مربوط می‌شود.



از ثروت و موقعیت می‌دانستند. اشراف ایرانی از عطرهای گران قیمت برای بیان شخصی خود استفاده می‌کردند.

مفهوم امروزی داشتن یک رایحه خاص ممکن است از ایران نیز سرچشمه گرفته باشد. بسیاری از پادشاهان اغلب یک رایحه خاص را انتخاب می‌کردند و اطرافیان خود را از استفاده از آن منع می‌کردند.

به عنوان مثال، شاه تخت جمشید، داریوش با شیشه‌های عطر خود در تصویب‌های سنگی همراه است. در تصاویر سنگی تخت جمشید، داریوش در حالی که روی یک صندلی زیبا نشسته و دو بطری عطر یا استخوان عود در جلوی خود دارد، نشان داده شده است و خشایارشا پشت سر او ایستاده در حالی که همان گل‌ها را در دست چپ گرفته است. این گل‌ها احتمالاً زنبق دره یا نرگس هستند که مخصوص استان فارس بوده و در منابع اسلامی به آن اشاره شده است. در دوره هخامنشیان، ایرانیان به سنت ایجاد فضای معطر متمایل شدند. آن‌ها می‌خواستند فضای دلپذیر با شیرین‌ترین عطرها داشته باشند که منجر به سوزاندن بخور و سایر مواد معطر می‌شد. اسنادی از سخنوران آن زمان وجود دارد که در مورد عطر افشانی در هنگام پذیرایی‌ها و جشن‌های سلطنتی صحبت می‌کنند.

تولید عطر ایرانی

ایرانیان باستان به تجهیزات مناسب عطرسازی دسترسی داشتند که ابداع انواع جدیدی از عطرها را برای آن‌ها آسان‌تر می‌کرد. ایران همچنین کارگاه‌های عطرسازی فراوانی داشت. ایرانیان روش‌های مختلف آزمایش را به کار می‌گرفتند و فرآیندهای تقطیر جدیدی را امتحان کردند. آن‌ها نه تنها بر افزایش تنوع رایحه‌ها تمرکز داشتند، بلکه مایل بودند تولید را برای دسترسی آسان‌تر ساده‌تر کنند.

بر اساس منابع متعدد، ایرانیان به گیاهان و گل‌های خوشبو که اغلب در تهیه عطر استفاده می‌شد، علاقه داشتند. عشق آن‌ها به محصولات معطر مانند بخور باعث می‌شد نتوانند عطرها را در آغوش بگیرند.

با این وجود ایران باستان از کشت گیاهان مختلف حمایت می‌کرد که به آن‌ها اجازه می‌داد مواد مهم عطری مانند گلاب را بدست آورند. ایرانیان همچنین به مشک و عنبر دسترسی داشتند که تولید بخور را تسهیل می‌کرد. کشت گسترده گیاهان و گل‌ها در ایران به این معنی بود که حتی می‌توان گونه‌های جدیدی از آن تولید کرد که تولید عطر را بیشتر کند. جغرافی دانان ایرانی و مسلمان از گلی زیبا و شیرین برآمده از تلاش باغداران ایرانی به نام «اسپورغامی» یاد کرده‌اند که در میان مردم به زنبق دره معروف است. این واقعیت که همچنان یکی از محبوب‌ترین مواد در عطرسازی مدرن است،

زندگی در شب‌هایی که سه ماه طول می‌کشند چگونه می‌گذرد؟



و شفق قطبی تنها نورهای طبیعی هستند که در آسمان صاف می‌رقصد و سوسو می‌زنند.

با این حال، چنین معناشناسی‌هایی این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که برای کسانی که در قطب شمال زندگی می‌کنند (یا معدود ساکنان ایستگاه‌های تحقیقاتی در قطب جنوب)، شب قطبی یک چالش جدی است.

زندگی در شب قطبی چگونه است؟

فقدان نشانه‌های آشنا و چرخه‌های روز و شب می‌تواند بر ریتم‌های شبانه‌روزی اثر بگذارد و خواب را مختل کند و کمبود دائمی نور روز معمولاً موجب کاهش انرژی می‌شود. با این حال، زندگی در طول شب

گیلان امروز - کسانی که نزدیک مناطق قطبی یخی زمین زندگی می‌کنند، در طول زمستان یک شب تقریباً دائمی را تجربه می‌کنند. اما زندگی در این شب طولانی چگونه می‌گذرد؟

به بیان ساده، شب قطبی به دوره‌ای از زمان اطلاق می‌شود که خورشید بیش از ۲۴ ساعت از افق طلوع نمی‌کند. این اتفاق، در زمستان‌های شمال دایره قطب شمال و جنوب دایره قطب جنوب رخ می‌دهد که به ترتیب خطوط دایره‌ای در عرض جغرافیایی ۶۶.۶ درجه شمالی و جنوبی هستند.

هر قدر نزدیکی به قطب‌ها بیشتر باشد، شب قطبی طولانی‌تر می‌شود: برای مثال، در مرکز قطب شمال، خورشید چند روز پس از اعتدال پاییزی در اواسط سپتامبر غروب می‌کند و تا اواسط ماه مارس طلوع نمی‌کند یعنی یک شب قطبی ۱۷۹ روزه در آنجا اتفاق می‌افتد. اما دورتر از مرکز قطب‌ها، شب قطبی فقط ۲۴ ساعت یا بیشتر در طول انقلاب زمستانی رخ میدهد. شهر اوتکیاگویک آلاسکا، شمالی‌ترین سکونتگاه در ایالات متحده، هر سال تقریباً به مدت ۶۵ روز شب قطبی را تجربه می‌کند که از اواسط نوامبر تا اواسط و اواخر ژانویه ادامه دارد. شب قطبی برخلاف نامش، بلوک پیوسته‌ای از شب مطلق نیست. حتی زمانی که خورشید غروب کرده، نور خورشید در افق شکسته می‌شود، بنابراین در بسیاری از عرض‌های جغرافیایی، بیشتر شب‌ها ممکن است تحت سلطه مراحل مختلف «گرگ و میش قطبی» باشند.

مانند هر جای دیگر روی زمین، اینجا هم وسط روز می‌تواند روشن‌تر از اوقات دیگر باشد، چون خورشید به سمت بالا می‌رود و از افق دور می‌شود، بدون اینکه هرگز از آن بالا برود: «گرگ و میش شهری» نور کافی را برای مردم فراهم می‌کند تا بتوانند به فعالیت‌هایشان در فضای باز ادامه دهند، در حالی که «گرگ و میش نجومی» به قدری تاریک است که ستاره‌ها، ماه